

خواجه توس، پیشینه تاریخی جهان تشیع

خواجه نصیرالدین توسی پیشینه تاریخی جهان تشیع، تنها یک فیلسوف نیست بلکه شخصیتی ذوابعاد و برجسته در جهان اسلام دارد.



همشهری آنلاین: خواجه نصیرالدین توسی پیشینه تاریخی جهان تشیع، تنها یک فیلسوف نیست بلکه شخصیتی ذوابعاد و برجسته در جهان اسلام دارد.

به گزارش فارس، سید یحیی یثربی، مفسر قرآن کریم و استاد فلسفه نوشت:

خواجه نصیرالدین توسی پیشینه تاریخی جهان تشیع است، خواجه تنها یک فیلسوف نیست وی شخصیتی ذوابعاد و برجسته در جهان اسلام دارد وی به حوزه دینی نیز نگاهی چند بعدی و عقلانی داشته است.

خواجه نصیرالدین طوسی دارای مذهب اسماعیلیه بوده است و یک متکلم واقعی است وی البته مدتی هم به مذهب شیعه اثنی عشری درآمد.

کتاب «اشارات و تنبیهات» ابن سینا را خواجه نصیر شرح کرده و این از درخشانترین کارها در کارنامه فلسفی خواجه محسوب می‌شود البته این اثر یک قرن پیش از خواجه توسط فخر رازی شرح شده بود اما این شرح دارای اشکالات زیادی بود.

بنابراین خواجه نصیر دوباره این اثر را شرح کرد و به اشکالات فخر رازی نیز پاسخ گفت البته وی خود اثر اشارات را نقد نکرده و در مقدمه هم گفته که این بدین معنی نیست که این اثر ابن سینا اشکالاتی نداشته است و تنها در بخش علم الهی یک اشکالاتی به ابن سینا گرفته است.

یکی دیگر از آثار برجسته خواجه در علم کلام «تجريد الاعتقاد» و در علم اخلاق «اخلاق ناصری» است. وی در مقدمه کتاب «اخلاق ناصری» بیان کرده که این بحث را از یونانیان گرفته است و بحث خودش در زمینه اخلاق نیست.

دیدگاه خواجه در زمینه دین نیز متکلمانه اسلامی است وی البته دین را آسمانی می‌داند با یک تفکر عقلانی بدان می‌پردازد و اعتقاد دارد که دین را باید با عقل پذیرفت اما بیشتر آنچه در کتب اخلاقی درباره فلسفه اخلاق آمده مباحث ارسطویی است و هنوز هم بسیاری از بخش‌های فلسفه ما بر همین اساس استوار است.

در گذشته شرایط چنین بود که اکثراً با مطالعه چند علم افراد ذوابعاد تلقی می‌شدند چرا علوم هنوز اینگونه شاخه شاخه نشده بود و البته گسترش هم پیدا نکرده بود به همین خاطر کسی شاید در طول سالیان می‌توانست در بسیاری علوم سرآمد شود و دانشمندی مثل خواجه نصیر نیز جزو این افراد بودند که سرآمد علوم محسوب می‌شدند و به تمام علوم مسلط بودند.

امروز ما نیاز داریم که از اندیشه افرادی مثل خواجه به ویژه در عرصه فلسفه و کلام و اخلاق استفاده کنیم، هر چند ما نباید صرفاً به علم گذشته اکتفا کنیم اما اینها می‌تواند چراغ روشن راه ما باشد تا ازنی طریق به علوم جدید دست یابیم.

در نهایت گرایش خواجه به شیعه اثنی عشری و سقوط خلافت بغداد زمینه‌ای را برای تشکیل یک جامعه شیعی اثنی عشری برای ما فراهم کرد، بنابراین خطی که خواجه کشید در مسیر تحقق جامعه فقه جعفری و شیعه اثنی عشری بود. بنابراین یکی از افتخارات ما شیعیان خواجه نصیر است.

نکته مهم در تفکر خواجه توجه به نقد و نقادی در جامعه البته با روشی هوشمندانه است. همین هوشمندی بود که باعث شد خواجه در دوران خود درخشیدن کند و البته اهداف خود در جامعه و طبق دولتی که کسی فکرش را هم نمی‌کرد چنین با فرهنگ بشود، جلو ببرد.